مکاتب حقوقی؛ از جست‌وجوی عدالت تا تنظیم زندگی اجتماعی

علی جوان‌بخت‌لاله

مقاله وارده

نگاهی تحلیلی به مبانی نظری حقوق و بازتاب آن‌ها در نظام حقوقی ایران

حقوق در نگاه نخست، شاید مجموعه‌ای از مواد خشک قانونی، آیین‌نامه‌های پیچیده و آرای دادگاه‌ها به نظر برسد؛ اما در لایه‌های عمیق‌تر، حقوق دانشی است زنده که درباره منشأ، هدف و کارکرد قواعد اجتماعی بحث می‌کند. هر قانونی که امروز در جامعه اجرا می‌شود، ریشه در یک «تفکر» یا «مکتب» دارد. در واقع، هرگاه قاضی در تفسیر یک ماده قانونی دچار تردید می‌شود یا قانون‌گذاری در حال تدوین یک قاعده جدید است، ناخودآگاه در حال انتخاب میان مکاتب مختلف حقوقی است.

شناخت این مکاتب، نه یک تمرین دانشگاهی، بلکه ابزاری حیاتی برای فهم این پرسش است که «حق» از کجا سرچشمه می‌گیرد و آیا هر قانون تصویب‌شده‌ای لزوماً عادلانه است؟

در طول تاریخ، تقابل میان دو دیدگاه بنیادین، جریان اصلی فلسفه حقوق را شکل داده است: «حقوق طبیعی» و «اثبات‌گرایی». پیروان مکتب حقوق طبیعی بر این باورند که پاره‌ای از اصول بنیادین، پیش از هر قانون موضوعه‌ای، بر اساس عقل، وجدان و کرامت انسانی وجود دارند. از دیدگاه آن‌ها، قانون تنها زمانی مشروع است که با عدالت سازگار باشد. در مقابل، مکتب اثبات‌گرایی یا تحققی، اعتبار قانون را در «منشأ رسمی» و «شیوه تصویب» آن می‌بینند. برای یک اثبات‌گرا، تفکیک میان حقوق و اخلاق ضروری است و ثبات جامعه در گرو اجرای دقیق متنی است که توسط مرجع صلاحیت‌دار تصویب شده، فارغ از اینکه آن متن از نظر اخلاقی مورد نقد باشد یا خیر.

اما حقوق تنها در تقابل عدالت و متن قانون نیست؛ بلکه با «زمان» و «جامعه» نیز پیوند دارد. مکتب تاریخی، حقوق را نه برآمده از عقل محض و نه صرفاً اراده قانون‌گذار، بلکه «روح ملت» می‌داند. از نظر این مکتب، قواعد حقوقی مانند زبان، به‌تدریج در بطن فرهنگ و سنت‌ها شکل می‌گیرند و تحمیل قوانین بیگانه به یک جامعه، محکوم به شکست است. در ادامه این مسیر، مکاتب جامعه‌شناختی و واقع‌گرایی ظهور کردند تا نگاه را از «متن قانون» به «کارکرد قانون» تغییر دهند. واقع‌گرایان حقوقی معتقدند حقوق واقعی، آن چیزی نیست که در کتاب‌ها نوشته شده، بلکه آن چیزی است که در عمل توسط قاضی در دادگاه حکم می‌شود. آن‌ها بر این باورند که عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و حتی شخصی قاضی، در شکل‌گیری عدالت عملی نقش دارند.

در کنار این دیدگاه‌ها، رویکردهای انتقادی مانند مارکسیسم و فمینیسم، لایه دیگری از تحلیل را اضافه کردند. آن‌ها حقوق را نه ابزاری برای عدالت، بلکه بازتابی از تضادهای قدرت و اقتصاد می‌بینند و معتقدند قوانین غالباً به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند که منافع طبقات مسلط یا ساختارهای سنتی را تثبیت کنند.

حال پرسش اساسی این است که این تکثر نظری در نظام حقوقی ایران چه جایگاهی دارد؟

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ترکیبی پویا و چندبعدی است که می‌توان آثار اکثر این مکاتب را در آن مشاهده کرد. ما در یک نظام هستیم که در عین تکیه بر «اثبات‌گرایی» (از طریق قانون اساسی و قوانین موضوعه برای حفظ نظم اجتماعی)، ریشه در «حقوق طبیعی و الهی» دارد. مفاهیمی چون «عدالت» و «کرامت انسانی» که در صدر قانون اساسی قرار دارند، در واقع همان بازتاب حقوق طبیعی در قالب شرعی و قانونی هستند.علاوه بر این، حضور «عرف» به‌عنوان یکی از منابع استنباط در حقوق مدنی ایران، گواهی بر پذیرش مبانی مکتب تاریخی است. همچنین، مفهوم کلیدی «مصلحت» که در ساختار حکومتی و قضایی ما جاری است، پیوندی ناگسستنی با رویکردهای جامعه‌شناختی دارد؛ چرا که اجازه می‌دهد قانون با توجه به نیازهای زمانه و واقعیت‌های اجتماعی تغییر یابد تا از خشکی و جمود در برابر نیازهای مردم رها شود.

اما باید به این نکته اشاره کرد که تضاد میان این مکاتب، لزوماً به معنای نفی یکدیگر نیست. قانون زمانی به هدف اصلی خود، یعنی برقراری نظم عادلانه و حمایت از حقوق مردم، نزدیک می‌شود که توازنی میان سه رکن برقرار کند: «اعتبار شکلی» (تصویب قانونی)، «مشروعیت محتوایی» (سازگاری با عدالت و کرامت انسانی) و «قابلیت اجرای عملی» (پذیرش اجتماعی و واقع‌گرایی).

در دنیای امروز که با پیچیدگی‌های اجتماعی و تکنولوژیک بی‌سابقه‌ای روبه‌رو هستیم، شناخت مکاتب حقوقی برای قاضی، وکیل و قانون‌گذار، دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است. قاضی باید بداند کجا باید بر متن قانون پافشاری کند (اثبات‌گرایی) و کجا باید برای جلوگیری از ظلم، به عدالت و انصاف روی آورد (حقوق طبیعی). وکیل باید بتواند استدلال‌های خود را بر اساس نیازهای جامعه و عرف (جامعه‌شناسی حقوق) استوار کند تا بتواند دفاعی مؤثر داشته باشد.

حتی برای شهروند عادی نیز، این شناخت یک ابزار دفاعی است. شهروندی که بداند قانون چگونه شکل می‌گیرد و تفسیری از قانون که با کرامت انسانی در تضاد است، لزوماً مشروع نیست، در برابر تضییع حقوق خود آگاهانه‌تر عمل خواهد کرد.

در نهایت، حقوق را نباید به‌مثابه یک مجموعه ایستا از دستورات دید؛ بلکه باید آن را جریانی پویا دانست که در تلاطم میان «ثبات» و «عدالت» حرکت می‌کند.

هدف غایی ما در نظام حقوقی، رسیدن به نقطه‌ای است که در آن، قانون نه به‌عنوان ابزاری برای کنترل، بلکه به‌عنوان پلی برای رسیدن به عدالت تجربه شود.

عدالت زمانی محقق می‌شود که معیار پاسخ‌گویی برای همه یکسان باشد و قانون، در عین حفظ نظم، خادم کرامت انسانی باشد.

شرط و شروط خرید اولین موبایل برای نوجوان

خرید اولین گوشی برای نوجوان، تصمیمی فراتر از یک خرید ساده و گاهی آغازگر چالش‌های جدی در روابط والدین و فرزندان است.

به گزارش خبرگزاری فارس، یکی از پرتکرارترین و شاید چالش‌برانگیزترین دغدغه‌های این روزهای پدر و مادرها، مواجهه با درخواست خرید گوشی تلفن همراه از سوی فرزندان است. «آیا برای بچه‌مان گوشی بخریم یا نه؟» این سؤالی است که ذهن بسیاری از والدین را درگیر کرده و گاهی به یک بحران در روابط والد و فرزندی تبدیل می‌شود. برای رسیدن به یک پاسخ اصولی و مهارت‌محور، پای صحبت‌های «سمیه فیروزی»، مشاور، درمانگر و مدرس دوره‌های تربیت کودک و نوجوان نشسته‌ایم تا ببینیم در برابر این خواسته نوجوانان چه واکنش هوشمندانه‌ای باید نشان دهیم.

هیچ نسخه واحدی وجود ندارد

این مشاور و درمانگر کودک و نوجوان در ابتدای صحبت‌هایش با تأکید بر اینکه شرایط هر خانواده و فرزندی متفاوت است، می‌گوید: «این مسئله‌ای است که نمی‌توانیم یک جواب واحد به آن بدهیم. عوامل مختلفی در پاسخ به این سؤال مهم است؛ از جمله شرایط روحی و اجتماعی فرزند شما. باید بررسی کنید که آیا او واقعاً قابلیت اعتماد دارد که ما برایش گوشی شخصی تهیه کنیم؟ آیا فرزند شما در مسیر تربیت با شما همراه است یا مطمئن هستید که اگر گوشی تلفن برای این بچه تهیه شود، مشکلات بسیار زیادی برایش به وجود می‌آید؟»

دخترکی که برای بیشتر دیده‌شدن از هویت کودکانه خود فاصله گرفته در نقشی که متعلق به خودش نیست ظاهر می‌شود، با تشویق‌های مجازی در همین قالب کلیشه‌ای فرو می‌رود و از دنیای حقیقی و واقعی مناسب سن و هویت خود فاصله می‌گیرد و نتیجه‌اش می‌شود آنچه امروز میان بسیاری از دختران ۲۰ تا ۳۰ ساله دیده می‌شود، آنچه که فقط دغدغه‌های پراکنده نیست، بلکه بازتاب تغییرات عمیق فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای است که بر هویت نسل جدید اثر گذاشته است.

مرجع و الگوهای فراموش‌شده

در عصر دیجیتال، کودکی به ویترینی درآمدزا تبدیل شده است. در این دکان و کاسبی نوظهور، کودکان توسط والدین‌شان به خدمت گرفته می‌شوند تا از طریق به نمایش گذاشتن شکل، ظاهر و بدن، یا جنبه‌های مختلف زندگی‌شان سودآور باشند. کودکانی که با بزرگ‌تر شدن دچار چالش‌های شخصیتی می‌شوند.

به همین دلیل شاید بتوان گفت در ارتباط با دختران نخستین مسئله، تغییر در الگوهای مرجع است. در قانون نانوشته طبیعت، آنچه سبب هویت‌بخشی به دختران می‌شود، مادر، مادربزرگ، خاله، عمه و دیگر زنان خانواده است. اما امروز با گسترش شبکه‌های اجتماعی، این الگوهای سنتی جای خود را به بلاگرهای مجازی داده‌اند؛ چهره‌هایی که هر یک سبک زندگی، ارزش‌ها و معیارهای متفاوتی را تبلیغ می‌کنند. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری هویت‌هایی شناور و گاه متعارض میان دختران جوان است.

این را ما نمی‌گوییم، پژوهشگران و متخصصان غربی نیز معتقدند بلوغ زودرس در کودکان صرفاً در محدوده پزشکی نیست؛ بلکه چالشی بزرگ در مسیر رشد عاطفی و اجتماعی کودک به شمار می‌آید.

در بلوغ زودرس، بدن کودک به‌سرعت شکل بزرگسالان را می‌گیرد، اما ذهن او همچنان یک کودک باقی می‌ماند. این فاصله بین رشد جسمی و شناختی، منبع اصلی فشار روانی است. کودک شما به‌دلیل این تفاوت فیزیکی ممکن است با مشکلات عاطفی روبه‌رو شود.

این پدیده که در سطح جهانی در حال رخ دادن است و آمارهای بین‌المللی آن را تأیید می‌کنند، می‌تواند عواقب جدی بر سلامت روانی و جسمی زنان داشته باشد.

آمارها می‌گویند که متوسط سن شروع بلوغ در قرن گذشته پایین آمده است، به‌طوری‌که برخی از دختران از سنین شش یا هفت سالگی شاهد علائم بلوغ در خود هستند. کارشناسان تأکید می‌کنند که این تغییرات در جدول زمانی رشد باروری، ممکن است تبعات جدی برای سلامت جسمی و روانی زنان به‌دنبال داشته باشد. محققان معتقدند که دخترانی که بلوغ زودرس دارند قد کوتاه‌تری در مقایسه با زمانی که بلوغ برای آن‌ها دیرتر باشد، خواهند داشت، بلوغ زودرس در درازمدت با خطر بالاتر ابتلا به سرطان سینه و همچنین افزایش خطر چاقی در بزرگ‌سالی همراه است. این موضوع همچنین با افزایش خطر فشار خون بالا، دیابت نوع دو، سندرم متابولیک، کلسترول بالا و بیماری‌های قلبی‌عروقی مرتبط است.

در مورد پیامدهای روانی این موضوع نیز معتقدند بلوغ زودرس در دختران باعث می‌شود که علاوه‌بر احساس ناهماهنگی با هم‌سالان خود، فرصتی نداشته باشند تا همه منابع اجتماعی و عاطفی را برای انتقال به این دوره دریافت کنند.

پدر، مادر! ما متهمیم!

در روزگاری که رسانه‌های اجتماعی تصویر اغراق‌شده‌ای از والدین همیشه آرام، صبور، آگاه و بی‌خطا ارائه می‌کنند، بسیاری از پدر و مادرها تصور می‌کنند برای تربیت فرزندی سالم و موفق باید هیچ‌گاه خسته نشوند، اشتباه نکنند و در تمام موقعیت‌ها آرمانی‌ترین و دل‌چسب‌ترین واکنش ممکن را نشان دهند. اما واقعیت این است که تلاش برای رسیدن به چنین تصویری می‌تواند سبب پیامدهایی ناخواسته برای سلامت روان شود. تسلیم بی‌شرط والدین منفعل در برابر تمایل کودکان به بیشتر دیده‌شدن می‌تواند سبب بروز چالش‌های جدی در شخصیت کودک و بلوغ زودرس در سن کودکی شود. کودک ما خواهان آزادی، بازی، شادی و آغوشی امن به‌دور از هیاهوی مجازی است. دریابیم!





ابتذال کودکان در فضای مجازی

نیلوفر حاج‌قاضی

معصومیت از دست رفته

فضای یله مجازی متولی ندارد

تمام آسیب‌های این‌چنینی به نبود قوانین و نظارت در مورد فضای مجازی برمی‌گردد. این‌که لازم است حریم‌ها و خط قرمزها رعایت شوند و هنجارها در این فضا شکل بگیرد. چرا که سهل‌انگاری یا اقدامات عامدانه این‌چنینی می‌تواند هویت کودک را به خطر اندازد.

فیروزی در ادامه یک قاعده کلی و طلایی را مطرح می‌کند: «اما به‌صورت عمومی اگر بخواهیم به این سؤال پاسخ دهیم، می‌گوییم که سعی کنید تا قبل از سن ۱۵ سالگی، به‌هیچ‌عنوان برای بچه‌ها گوشی شخصی تهیه نکنید. بعد از سن ۱۵ سالگی هم وقتی تصمیم به این کار گرفتید، حتماً یک‌سری شرایط و قوانین را پیش از خرید گوشی در نظر بگیرید. البته نحوه مدیریت کودکانی که زیر ۱۵ سال هستند یا از قبل برایشان گوشی تهیه شده و حالا خانواده دچار چالش شده‌اند، نیازمند راهکارهای مجزایی است که در فرصت‌های دیگر به آن پرداخته می‌شود.»

تا می‌توانید زمان بخرید!

اگر فرزند شما در مقطع متوسطه دوم تحصیل می‌کند، باز هم دلیلی بر عجله برای خرید گوشی نیست. این مدرس تربیت کودک و نوجوان توصیه می‌کند: «تا جایی که می‌توانید، حتی برای بچه‌های سن متوسطه دوم نیز با توجه به اینکه زمان درسی طلایی را می‌گذرانند و حجم درس‌ها بالاست، خرید گوشی را عقب بیندازید. اگر با فرزندتان رابطه خوبی دارید و می‌توانید او را قانع کنید، الزامی نیست که حتماً در این سن برایش گوشی تهیه شود. اما اگر خیلی اصرار داشت و تا الان خرید آن را به تأخیر انداخته‌اید و دیگر می‌خواهید به این خواسته فرزندتان تن بدهید، حتماً باید شرایطی را رعایت کنید.»

اتحاد والدین و تدوین یک قرارداد دوجانبه

خرید گوشی نباید یک اتفاق ناگهانی و بدون برنامه باشد. سمیه فیروزی روی گفت‌وگوی پیش از خرید تأکید کرده و می‌گوید: «قبل از تهیه تلفن همراه، حتماً با فرزندتان یک جلسه گفت‌وگو داشته باشید و با رویکردی تعاملی با او برخورد کنید. پیش از آن، حتماً نظرات‌تان را با همسرتان یکی کنید تا بعدها نوجوان نتواند از یکی از شما، برای شکستن قوانینی که والد دیگر گذاشته است استفاده کند. شما باید یک‌سری قوانین را مکتوب کنید، اما قبل از مکتوب کردن حتماً باید درباره آن‌ها به تفاهم برسید.»

مناطق ممنوعه و ماجرای رمز گوشی

اما این قوانین مکتوب باید شامل چه مواردی باشد؟ فیروزی در این‌باره می‌گوید: «اولین نکته که بسیار هم مهم است، تعیین مکان‌های ممنوعه است. مکان‌های ممنوعه تلفن همراه شخصی‌اش را دانه‌به‌دانه قید کنید. مثلاً توافق کنید که حق ندارد گوشی را به مدرسه ببرد.»

او درباره چالش رمز گوشی نیز توضیح می‌دهد: «نکته بعدی رمز گوشی است. حتماً در خصوص نحوه رمزگذاری برای خانواده و خصوصاً پدر و مادر با او صحبت کنید. نیازی نیست خواهر و برادر کوچک‌تر یا بزرگ‌تر رمز گوشی او را بدانند، چون ممکن است شیطنت‌هایی بکنند؛ اما پدر و مادر استثنا هستند. در اینجا نقش الگویی شما بهترین اهرم است.

اگر شما پدر و مادری هستید که بچه‌ها و همسرتان به‌راحتی به گوشی‌تان دسترسی دارند و رمز فقط برای افراد و مکان‌های بیگانه تنظیم شده است، الان هم خیلی راحت می‌توانید درباره این موضوع با بچه‌تان صحبت کنید. کسی که از خودش و از محتوای درون گوشی‌اش اطمینان دارد، لازم نیست برای پدر و مادرش رمز پنهانی داشته باشد.»

زمان و مکان استفاده از گوشی در خانه، بند دیگر این توافق‌نامه است. فیروزی می‌گوید: «باید با فرزندتان صحبت کنید که استفاده از گوشی در چه مکان‌هایی از خانه و در چه ساعت‌هایی مجاز است؟ آیا قبل از درس خواندن یا بلافاصله بعد از مدرسه می‌تواند از آن استفاده کند؟ همه این‌ها باید شفاف شود.»

راهنمای قدم به قدم برای اولین روضه خانگی در خانه‌های نقلی

برپایی اولین روضه خانگی، نه خانه بزرگ می‌خواهد و نه پذیرایی پرهزینه؛ فقط دلی مشتاق و نیتی خالص می‌خواهد.

به گزارش خبرگزاری فارس، دل‌تان پر می‌کشد که امسال نام و یاد حضرت زهرا(س) را به خانه‌تان بیاورید و بانی یک روضه خانگی باشید؛ اما تا می‌آیید تصمیم بگیرید، ماشین‌حسابِ ذهنتان روشن می‌شود: «با این قیمت‌ها برای میوه و پذیرایی چه کنم؟»، «خانه‌ام فقط ۶۰ متر است، مردم کجا بنشینند؟»، «من که در این شهر غریبم و کسی را نمی‌شناسم، با دو سه نفر مهمان که نمی‌شود روضه گرفت!»

اگر این مکالمات درونی، تا امروز مانع برپایی اولین روضه خانگی شما شده است، وقت آن رسیده که این موانع ذهنی را کنار بگذارید. در فرهنگ اهل‌بیت (ع)، کمیت‌ها هیچ‌گاه جای کیفیت و نیت را نمی‌گیرند. این گزارش مهارتی، یک راهنمای کاملاً واقع‌بینانه برای شمایی است که می‌خواهید امسال طلسم را بشکنید و اولین هیئت خانگی‌تان را برپا کنید.

معجزه جمع‌های کوچک!

یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات برای اولین روضه، مقایسه آن با هیئت‌های بزرگ یا روضه‌های شلوغ قدیمی است. اتفاقاً برای شروع، یک جمع کوچکِ ۵ تا ۱۰ نفره، ایده‌آل‌ترین حالت ممکن است.

مادر، خواهر، صمیمی‌ترین دوستتان یا دو نفر از همسایه‌های هم‌طبقه را دعوت کنید. همین! قرار نیست کارت دعوت پخش کنید یا نگران نیامدن آدم‌ها باشید. روضه‌های کوچک، صمیمیتی دارند که در هیچ مجلس بزرگی پیدا نمی‌شود. فراموش نکنید که حدیث کسا فقط با حضور ۵ نفر در یک خانه کوچک شکل گرفت. پس غصه تعداد مهمان را نخورید.

خانه‌های نقلی؛ حسینیه‌های دلی

«مبل‌ها را چه کنم؟»، «پذیرایی‌ام جا ندارد!»؛ این‌ها بهانه‌های آپارتمان‌نشینیِ امروز است.

برای یک ساعت روضه، نیازی به سالن بزرگ نیست. اگر جا کم است، مبل‌ها را به دیوار بچسبانید یا برای همان یک ساعت، میز جلو مبلی را جمع کنید و به اتاق دیگری ببرید. چند پشتی ساده بچینید و فضا را برای نشستن روی زمین که اتفاقاً حال‌وهوای روضه‌های سنتی را زنده می‌کند، آماده کنید. فضای کوچک، صدا را بهتر می‌پیچاند و گرمای معنوی جلسه را بالا می‌برد. اصلاً زیبایی روضه خانگی به همین بی‌تکلف بودن و شانه‌به‌شانه نشستنِ آدم‌هاست.

عزادارِ مادر، برای پذیرایی نمی‌آید

ترس از هزینه‌های پذیرایی یکی دیگر از دغدغه‌هاست. با خودتان روراست باشید؛ کسی که در ایام فاطمیه برای شنیدن نام اهل‌بیت (ع) به خانه شما می‌آید، طمعِ خوردنِ میوه‌های مختلف یا شیرینی‌های خوش‌رنگ را ندارد. عزادار واقعی، به‌دنبال همان یک استکان چای روضه است.پذیرایی را به ساده‌ترین شکل ممکن برگزار کنید. یک سینی چای تازه‌دم، یک ظرف خرمای ساده یا نهایتاً چند عدد بیسکویت یا کیک یزدی. همین و بس! اگر خودتان این سادگی را در اولین روضه بنا بگذارید، نه‌تنها بار مالی از دوش‌تان برداشته می‌شود، بلکه به مهمان‌هایتان هم این جرئت را می‌دهید که آن‌ها هم بدون ترس از هزینه‌ها، در خانه‌هایشان روضه بگیرند. شما با این کار، یک سنت‌شکنیِ زیبا و ضدتجمل انجام داده‌اید.

منبر خانگی؛ از حضور پربرکت مبلغان تا راه‌حل‌های آسان

خیلی‌ها فکر می‌کنند چون شماره یک روحانی را ندارند، دسترسی به سخنران غیرممکن است؛ در حالی که این فقط یک بهانه است! ارتباط با حوزه علمیه و دعوت از یک طلبه یا مبلغ دینی برای بیان معارف و فضائل اهل‌بیت (ع)، یک اصل اصیل و اولویت جدی در روضه‌های خانگی است. مجلس اهل‌بیت (ع) با نفس گرم یک روحانی، برکت مضاعفی پیدا می‌کند.

نگران نداشتن شماره هم نباشید؛ با کمی پیگیری از طریق دوستان، آشنایان، مسجد محله یا فعالان فرهنگی محله، به‌سادگی می‌توانید به یک مبلغ دسترسی پیدا کنید. امروزه کلی گروه‌های طلبگی و نهادهای مردمی فعال هستند که کارشان هماهنگی و اعزام مبلغان برای روضه‌های خانگی است و دسترسی به آن‌ها مثل آب خوردن آسان شده است.

پس اول و آخر تلاش‌مان را می‌کنیم که منبر خانه به کلام یک سخنران مزین شود؛ اما اگر پس از تمام این پیگیری‌ها، امکان حضور مبلغ فراهم نشد، آن‌وقت به‌عنوان گزینه اضطراری و جایگزین، سراغ پخش صوت‌های سخنرانی کوتاه و پرمحتوا می‌رویم.

اولین روضه خانگی، مثل برداشتن اولین قدم است؛ شاید کمی دلهره داشته باشد، اما وقتی صدای «السلام علیک یا فاطمه الزهرا (س)» در دیوارهای خانه‌تان پیچید و اولین قطره اشک چکید، متوجه می‌شوید که تمام آن نگرانی‌ها بی‌مورد بوده است. بسم‌الله بگویید، کتری را روی گاز بگذارید و مطمئن باشید بقیه کارها را خودِ صاحبِ عزا، ردیف می‌کند.



چگونه فرزندان را برای انجام تکالیف مدرسه همراهی کنیم؟

پس از بازگشت کودکان از مدرسه به خانه، یکی از دغدغه‌های والدین، نحوه زمان‌بندی و انجام تکالیف توسط فرزندان است.

ایجاد تعادل درست میان یک استراحت کوتاه، حفظ استقلال کودک و شیوه اصولی همراهی والدین در ساعت انجام تکالیف، نه‌تنها کیفیت یادگیری و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموز را افزایش می‌دهد، بلکه از تنش‌های روزمره خانوادگی نیز جلوگیری می‌کند.

به گزارش ایسنا، بررسی زمان مناسب برای انجام تکالیف بچه‌ها نشان می‌دهد که بعد از مدرسه، قرار نیست نقش «معلم دوم» کودک را داشته باشیم؛ زیرا مهم‌تر از اینکه چقدر کنار او هستیم، این است که چطور کمکش کنیم؛ داشتن یک استراحت کوتاه همراه با حفظ استقلال فرزند در زمان حل تکالیف، می‌تواند روی یادگیری و اعتمادبه‌نفسش تأثیر زیادی داشته باشد.

این پرسش که تکالیف را با بچه انجام بدهیم یا فقط کنارش باشیم، مطرح می‌شود و این‌که آیا قرار است بعد از مدرسه، نقش «معلم دوم» را بازی کنیم؟ مهم‌تر از اینکه چقدر کنار بچه‌ایم، این است که چطور کمکش می‌کنیم؛ چراکه طبق پژوهش‌های منتشرشده، حمایت والدین وقتی به یادگیری کمک می‌کند که استقلال کودک حفظ شود و نه اینکه جای او فکر کنیم، جواب بدهیم یا مدام کارش را کنترل کنیم.

همچنین در این باره که اول تکلیف یا اول یک نفس باید انجام شود، باید گفت اگر بچه تازه از مدرسه برگشته و خسته است، لزوماً بهترین زمان برای انجام تکالیفی مثل ریاضی و املا نیست؛ اما یک استراحت ۲۰ تا ۳۰ دقیقه‌ای می‌تواند عملکرد را بهتر کند. استراحت قرار نیست تبدیل شود به یک ساعت بازی با موبایل، بلکه یک وقفه کوتاه می‌تواند شامل این‌ها باشد: کمی خوراکی، بازی یا حرکت، دوش گرفتن، حرف زدن از اتفاقات مدرسه یا حتی چند دقیقه لم دادن و هیچ کاری نکردن تا کودک از حالت «تمام روز باید عملکرد داشته باشم» خارج شود و بعد دوباره سراغ یادگیری برود.

با رسیدن به مرز باریک کمک کردن، یک قانون ساده شکل می‌گیرد که شامل «کنارش باش» اما «جایش نباش» می‌شود؛ یعنی اگر کودک گفت: «مامان، اینو نمی‌فهمم»، نباید بگویید «بده من انجامش بدم»، بلکه باید پرسید: «کدوم قسمت برات نامفهومه؟» و بعد اجازه داد تا خودش راه‌حل را پیدا کند.

